

طراحی اندام و لباس (۱)

فاطمه حمود شلتوکی

www.ketab.ir

سرشناسه : حمودشلتوکی، فاطمه، ۱۳۶۱-
عنوان و نام پدیدآور : طراحی اندام و لباس (۱) / فاطمه حمودشلتوکی.
مشخصات نشر: دزفول: اهورا قلم، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری : ۹۵ ص. : مصور (رنگی)؛ ۲۲ * ۲۹ س م.
شابک : 978- 964- 8942- 69-9
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
موضوع : طراحی لباس
رده بندی کنگره : ۱۳۹۱ ۴۳ ط ۸ ج / ۵۲۰ TT
رده بندی دیویی : ۷۴۶/۹۲
کتابشناسی ملی : ۲۹۵۳۸۷۰



طراحی اندام و لباس (۱)

نویسنده : فاطمه حمودشلتوکی

انتشارات : اهورا قلم

قطع : رحلی

نوبت چاپ : اول - تابستان ۱۳۹۳

چاپ : گنجینه نگار طاها

تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه

قیمت : ۱۲۰۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۴۲-۶۹-۹ ISBN:978-964-8942-69-9

ahoora.ghalam@yahoo.com

www.ahoora-ghalam.ir

آدرس : دزفول، خیابان اکباتان، بین خ میرداماد و خ قاضی، کوچه بنفشه، پلاک ۱۹۴

شماره تماس : ۰۹۱۶۶۴۱۵۸۹۴ - ۰۶۴۱۲۲۴۹۱۲۴

فهرست مطالب

۵	پیشگفتار
۸	مقدمه
۱۰	<u>فصل ۱ (شناخت ابزار طراحی)</u>
۱۱	ابزار کار
۱۱	ابزار اثر گذار
۱۷	ابزار اثر پذیر
۱۸	ابزار کمکی
۲۷	خودآزمایی
۳۰	<u>فصل ۲ (اصول اولیه طراحی)</u>
۳۱	نقطه
۳۲	خط
۳۳	تاثیر روانی خط
۳۵	انواع خط
۳۶	سطح
۳۷	حجم
۳۸	بافت
۴۰	انواع بافت
۴۵	پرسپکتیو
۴۶	ترکیب
۵۱	نور، حجم سایه روشن
۵۱	طراحی از طبیعت بیجان
۵۴	شیوه های اندازه گیری

۵۶	طراحی خیالی (اسکیس)
۵۷	نحوه ی سایه روشن زدن پارچه
۵۹	خودآزمایی
۶۵	<u>فصل ۳ (ساختار بصری رنگ)</u>
۶۶	مفهوم رنگ
۶۶	خواص رنگ
۶۷	رنگهای سرد و گرم
۶۸	رنگ مایه
۶۸	رنگهای مکمل و متضاد
۶۹	دایره ی رنگ
۷۱	تضادهای رنگی
۷۲	تضاد ته رنگ (رنگ به خودی خود)
۷۳	تضاد تاریک و روشن
۷۵	تضاد سرد و گرم
۷۸	تضاد رنگ های مکمل
۸۱	تضاد همزمان (سیمولتانه)
۸۲	تضاد اشباع (کیفیت رنگ)
۸۶	تضاد سطوح (کمیت رنگ)
۸۷	فرم و رنگ
۸۹	خودآزمایی
۹۵	منابع

پیشگفتار

کلمه‌ی لباس از مصدر لبس که در عربی به معنی (شبیه و اشکال و عدم وضوح) آمده است. این کلمه در فارسی واژه‌های پوشش، تن پوش و پوشاک را تداعی میکند که با فعل پوشیدن و پوشاندن بکار می‌بریم که مقصود همان وسیله‌ی پوشاندن تن و نمایاندن آن است که برای هر طبقه‌ای قابل فهم است و منشأ اصلی پیدایش لباس، محفوظ ماندن از سرما، گرما، عوامل طبیعی، عفت و پرهیزکاری و زیبا و باوقار بودن است و اما اینکه انسان چه بپوشد و چگونه بپوشد بستگی به فرهنگ و جهل‌بینی جامعه‌ای دارد که در آن زندگی می‌کنند. باید دید فرهنگ آن جامعه جهان را به چه معنی میدانند. افراد، انسان را چگونه موجودی می‌شناسد و چه سرنوشتی را برای آنان تصور می‌کند.

لباس هر انسان پرچم کشور او را پر می‌کند که او بر سر در خانه‌ی وجود خود نصب کرده و با آن اعلام میکند که از کدام فرهنگ تبعیت میکند. همچنانکه هر ملتی با وفاداری و احترام به پرچم خود اعتقاد خود را به هویت ملی و سیاسی خود ابراز میکند، هر انسان نیز مادام که به یک سلسله ارزشها و بینشها، معتقد و دل‌بسته باشد لباس متعلق به آن ارزشها و بینشها را از تن بدر نخواهد کرد.

در عصر حاضر هنر طراحی لباس به دلیل کاربرد آن در زوایای مختلف زندگی انسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. انسان امروزی که در صحنه‌ی رقابت به منظور برتری یافتن و ارتقاء سطح دانش و بینش خود، همواره از ابزار و شیوه‌های گوناگونی بهره می‌جوید، لباس را بعنوان یکی از مؤثرترین ابزارها مورد توجه قرار داده و از تأثیرات آن در زندگی فردی و اجتماعی بسیار سودمند گشته است. برخلاف گذشته که لباس تنها برای رفع نیازهای طبیعی تهیه می‌شد از دیدگاه انسان امروز، خصوصیات و ویژگیهای این پدیده، برای ساماندهی به فرایندهای اجتماعی، روانشناختی و گسترش مسایل فرهنگی، هنری و اقتصادی جامعه بسیار با ارزش است.

از این رو بکارگیری هنر طراحی لباس با موضوعات و قواعدی در آمیخته که الزاماً در نحوه‌ی آموزش این رشته‌ی هنری نمایان می‌گردد. اصول این قواعد آموزشی که مبتنی بر شناخت طراح از ابعاد وجودی انسان می‌باشد به گونه‌ای تنظیم شده که حاصل آن پرورش هنرمندانی خلاق و مستعد است.

مجموعه‌ی حاضر با توجه به نیاز هنرمندان و با هدف ارتقاء کیفی سطح آموزش و با توجه به گستردگی استاندارد و پراکندگی و تعدد منابع موجود و اینکه منبعی کامل جهت آموزش طراحی لباس در دسترس نمی‌باشد، لذا در این راستا مولف به تدوین و جمع‌آوری این مجموعه پرداخته است. مطالب این مجموعه براساس استاندارد آموزشی با کد 7-91/41/1/3/3 تدوین شده است.

محتوای این مجموعه شامل نه فصل می‌باشد. در فصل اول به معرفی ابزار طراحی پرداخته شده و ویژگیهای هر یک معرفی شده است. فصل دوم به اصول اولیه‌ی طراحی که شامل عناصر بصری، روشهای اندازه‌گیری، اسکیس و مراحل سایه‌زنی پارچه است اشاره شده.

فصل سوم به بررسی مفهوم رنگ و تضادهای رنگی، تئوری رنگ و تنالیت پرداخته شده است.

فصل چهارم شناخت اندام و نحوه‌ی ترسیم اندام استاندارد، تعیین اجزای چهره‌ی استاندارد در حالت‌های تمام رخ و سه رخ اختصاص داده شده. در فصل پنجم به انواع لباسهای مهمانی، منزل، لباس کار، اجزای لباس (یقه‌ها، آستینها، دامن‌ها، شلوار)، ویژگیهای مختلف اندام و نحوه‌ی درست انتخاب لباس پرداخته شده است. فصل ششم به معرفی خواص طرح و رنگ پارچه‌ها و ویژگیهای آنها بر روی اندام و گروههای مختلف رنگی اشاره شده. فصل هفتم مربوط به جنسیت سازی‌های پیشنهادی مولف بوده که البته همه‌ی هنرآموزان و هنرجویان محترم با توجه به تجربیات خود می‌توانند در نحوه‌ی اجرای آنها تغییرات ایجاد نمایند.

فصل هشتم به معرفی پوشاک محلی و سنتی اختصاص داده شده و فصل نهم مربوط به معرفی پوشاک تاریخی ایران می‌باشد که امید است هنرجویان با استفاده از اطلاعات مربوط به لباسهای سنتی و تاریخی به ارایه مدل‌های نو بپردازند . لازم به ذکر است که با توجه به گستردگی مطالب در بعضی قسمت‌ها فقط اشاره ی کوتاهی به مطالب شده . امید است که این مجموعه بتواند نیازمندی هنرجویان این رشته را در پیشبرد اهداف آموزشی برآورده کند.

در پایان از تمام عزیزانی که در تهیه و تدوین این مجموعه مرا یاری رساندند کمال تشکر و قدردانی را دارم

مolf

زمانیکه بشر شروع به اندیشیدن کرد و در پی ساختن ابزار برای شکار حیوانات برآمد مسأله بنام لباس نیز برایش مطرح شد که او را در مقابل سرما و گرما و حملات حیواناتی که هیبت انسان برایشان بیگانه بود مصون نگاه دارد. با ظهور و پیشرفت تمدن تغییراتی گاه بطئی و گاه سریع در شکل لباس انسان بوجود آمد که این تغییرات مستقیماً با شرایط و موقعیت اقلیمی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مردمان پوشنده آن در ارتباط بود.

بطور کلی مردم مناطق سردسیر دارای پوششهای گرم و تیره رنگ که حرارت خورشید را جذب کرده و نگاه می دارند و مردم مناطق گرمسیر پوششهای نازک با رنگ های ملایم که حرارت را کمتر جذب می کند، بودند.

شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی یکی دیگر از ارکان اساسی در چگونگی شکل لباس در سراسر دنیا است. پوشش جادوگر قبیله رنگ آمیزی بدن او با بقیه افراد قبیله متفاوت بود، همانطوری که لباس اشراف و شاهزادگان در اروپای عصر رنسانس با پوشش روستائیان زحمتکش همان عهد تفاوت فاحش داشت. درباریان اشراف زندگی تجملی و پر از تشریفات خود را از درآمد بهره مالکانه و باج و خراج سالیانه گذرانده و در بهترین شرکتی در فعلیت های عملی تولید اجتماعی نداشتند، از پوشش های نفیس و پر زرق و برق که دارای خطوط و تزئیناتی کاملاً عجیب بود استفاده می کردند و اوقات خود را در ارتباط کامل زندگی خصوصیشان میگذراندند. و در مقابل محرومان جامعه، دهقانان و کارگران صنایع کوچک در اثر فقر شدید و کار تولیدی شبانه روزی با لباسی ساده، ارزان و بی پیرایه در مزارع و کارگاه های کوچک بکاری شاق مشغول بودند.

زنان بیکار دربار در مقام جلوه گری رقابت، لباس های غیرعادی ابداع و تهیه میکردند و تقاضای

این نوع البسه به حدی رسید که خیاطان و خیاط خانه هایی برای دوخت این نوع البسه بوجود آمد که نمونه این پوشش ها را نیز در قامت عروسکهای کوچک تهیه و به سرتاسر اروپا روانه می کردند و بعدها این طرح ها را در مجلاتی گرد آورده منتشر می ساختند.

وجود عرضه و تقاضا، لباس را نیز به کالا تبدیل کرد و چون هر کالائی در اشکال و رنگهای متعدد تهیه شد، روزی کمرها را تنگ بستند و یقیه ها را باز کردند. فنرهای حجیم و سخت در زیر دامن خود پوشیدند و سپس یقه ها را آن چنان بلند و بزرگ دوختند که چهره ها به سختی از درون آن قابل تشخیص بود. مقدار پارچه ای که صرف تهیه یک لباس می شد اعضای خانواده ای را ملبس می کرد و پوست ای گرانبهای تزئینی حاشیه لباس ها می توانست دهها بچه فقیر را از سرمای کشنده زمستان در امان دارد. کلاهها و کلاه گیس ها به حدی بزرگ و تجملی ساخته می شد که سر و صورت زنان در انبوهی از مو، ماسک و پارچه و روبان و تور پنهان می نماید. انقلاب کبیر فرانسه در قرن هیجدهم تعدیلی در حجم لباس پدید آورد ولی خللی در سود کلان سرمایه داران این راه وارد نساخت چه آنها سوداگر این راه بودند. دول استعمارگر نیز به منظور ازدیاد درجه سودآوری سرمایه، و فروش کالای خود در کشورهای عقب نگاه داشته شده، فرهنگی استعمارگر را نیز به این کشورها صادر نمودند. در هر کجا که این فرهنگ را کس سخت روبرو نشد به سرعت در کلیه زمینه های فرهنگی و اجتماعی از جمله در زمینه شکل و نوع لباس نفوذ کرده گسترش یافت. از جمله این کشورها ایران بود و به همین دلیل روزی به قامت زنان لباسی شبیه کیسه پوشاندند و روز دیگر شبیه به خمره. قد دامن زنان به میزانی کوتاه شد که برارنده دختران شش ساله بود یا به اندازه ای بلند که زمین را لمس میکرد. پاشنه کفش ها بحدی نازک و بلند شد که پوشیده آن خطر جانی در برداشت و یا به میزانی حجیم و سنگین شد که پاها به آسانی از زمین کنده نمیشد..

این جریان دائمی کسانی را که در کار تهیه پارچه، لباس و کفش بودند ثروتمند و ثروتمندتر می

کرد. ولی چه بر سر شخصیت و هیبت زنان می آمد خدا می داند. آنان، آن چنان از خود بیگانه شدند و آن چنان شخصیتشان در زیر پوشش های هر روز یک شکل و یک رنگ گم شد که خود نیز خودشان را باز نمی شناختند و چون کالائی تزئینی به اجتماع عرضه شدند. اینکه زن می تواند با پوشیدن لباسی برازنده به وقار خود افزوده و با انتخاب رنگی مناسب با چهره و خطوطی متناسب با اندام خود را زیباتر کند جای بحث نیست، چرا که زیبایی توأم با وقار نه تنها از ارزش انسانی زن نمی کاهد بلکه به برجسته تر کردن شخصیت والای او نیز کمک می کند. پوشیدن لباسی تیره با خطوطی ناموزن و نامتناسب با اندام هیچگاه باعث تزکیه اخلاق جامعه نشده و این فرهنگ وایدئولوژی غلب بر جامعه است که باید آن را انجام پذیر سازد.

نظری کوتاه به البسه زنان منطقه شمال و غرب ایران، ایلات و عشایر نشان می دهد که چگونه زنان، با انتخاب زیباترین رنگهای موجود در طبیعت و طرحها و اشکال مناسب با کار تولیدیشان زیباترین لباس ها را داشته نه تنها نظم می به اخلاق جامعه وارد نساخته اند بلکه محیط زندگی و کارشان را نیز زیباتر و فرح انگیزتر می نمایند. این حقیقت می توان گفت که طبیعت زنده و ناب را در کار و زندگی شان وارد کرده اند. این پوشش ها یکی از بهترین های لباس زنان ما است. از آنجائیکه می دانیم طراحی لباس چون هر فن دیگر احتیاج به مدد عدی مشخص دارد در این کتاب سعی شده مختصری از چگونگی اندام انسان و تناسبات آن، رابطه بین طرح و رنگ لباس و این تناسبات را مطرح ساخته و رابطه بین طرح و رنگ پوشش و موقعیت های مختلفی را که پوشنده در آن قرار می گیرد بیان سازد. باشد که این مختصر شناخت که همراه با ذوق و سلیقه های فردی خواهد بود، قدمی باشد در راه یافتن پوششی مناسب برای زنان جامعه اسلامی ما.